

درس نهم

داستان نویسی (۲)



دانش‌آموزان به نام داستان توجه کنند.
دانش‌آموزان خلاقیت ذهنی خود (تفکر خلاق) را برای تکمیل داستان به کار گیرند.
دانش‌آموزان با حفظ ترتیب و توالی مناسب، عناصر داستان را بیان کنند.
دانش‌آموزان از ابزارهای انسجام (کلمه‌های ربط و ...) در جمله‌های داستان به خوبی استفاده کنند.
دانش‌آموزان داستان را پس از تکمیل بخوانند و برای دیگران تعریف کنند.

باهم بیاموزیم (فعالیت‌های کلاسی)

اتفاق‌ها، برنامه‌ها و اردوهای مدرسه هر کدام داستان‌هایی هستند با عناصر مشخص داستانی که معلم می‌تواند در فرایند یاددهی - یادگیری از آن‌ها استفاده کند. معلم داستان‌ها و ماجراهای آشنا و ملموسی را انتخاب می‌کند که جذاب هستند و دانش‌آموزان با آن‌ها کاملاً آشنایی دارند.
معلم و دانش‌آموزان با استفاده از شکل نمادین و پرسش و پاسخ، داستان را بازگو و سپس بازنویسی می‌کنند. نقش تفکر خلاق و اجازه دادن به دانش‌آموزان برای پرورش و تکمیل داستان نادیده گرفته نشود. هر بار بخشی از داستان بیان می‌شود و عناصری از داستان یک به یک حذف می‌گردند (بهتر است حذف از عناصر پایانی شروع شود و به قسمت آغازی برسد). این روند ادامه می‌یابد و در آخرین داستان، ممکن است از عناصر داستان فقط بخش آغازین بیان شود، یا فقط به بیان «یکی بود، یکی نبود» بسنده گردد و دانش‌آموزان در تعامل با هم هر داستان را با توالی مناسبی (آغاز، مسئله، حل مسئله و آخر داستان) کامل می‌کنند. برای تثبیت یادگیری، داستان‌ها در کلاس بازتعریف و بازنویسی می‌شوند، مانند:

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. رضا صبح در کلاس دیکته می‌نوشت که

..... ناگهان نوکِ مدادش

بنابراین فعالیت‌هایی مانند خاطره‌نویسی، گزارش‌نویسی و... می‌توانند در قالب داستان طراحی و بیان شوند.



همکار گرامی! با نشان دادن شکل نمادین عناصر یک داستان و پرسش و پاسخ، ذهن دانش‌آموزان را برای تکمیل هر کدام از داستان‌های این درس هدایت کنید، تفکر آن‌ها را آزاد بگذارید و زمینه‌ی گسترش و پرورش آن را فراهم آورید تا توانایی خلق داستان، با توجه به آموخته‌های قبلی برای دانش‌آموزان فراهم آید.

۱. به تصویرها با دقت نگاه کنید، داستان را بخوانید و آخر (پایان) داستان را کامل کنید.



اتحاد



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. یک کشاورز در زمان‌های قدیم در مزرعه‌ای کار می‌کرد. او می‌خواست یک چغندر را از زیر خاک بیرون بیاورد. اما چغندر خیلی بزرگ بود و او به تنهایی نمی‌توانست آن را بیرون بیاورد. او از همه‌ی همسایه‌ها کمک گرفت و با هم چغندر را از خاک بیرون آوردند. بعد کشاورز با چغندر.....

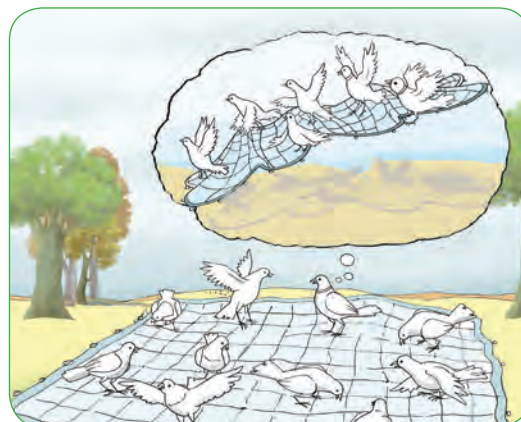
همکار گرامی! بیشتر تصویرهای تمرین‌های این درس آشنا و برگرفته از داستان‌های قدیمی است که بارها آن‌ها را برایمان تعریف کرده‌اند یا خوانده‌ایم. شما هم می‌توانید با کمک گرفتن از والدین دانش‌آموزان خود، آن‌ها را بارها برایشان بازگو کنید تا در انجام تمرین‌ها مشکلی وجود نداشته باشد.



۲. به تصویرها با دقت نگاه کنید. داستان را بخوانید و با جمله‌های مناسب مربوط به حل مسئله و آخر (پایان)، داستان را کامل کنید.



همکاری



روزی روزگاری، گروهی کبوتر در دشت زندگی می‌کردند که سر دسته‌ی آن‌ها کبوتری به نام طوقی بود. کبوترها صبح که پرواز می‌کردند مقدار زیادی دانه روی زمین دیدند و برای خوردن آن‌ها نشستند؛ اما در همان لحظه به دام شکارچی افتادند.

.....

.....

.....

۳. به تصویرها با دقت نگاه کنید. داستان را بخوانید و با جمله‌های مناسب مربوط به مسئله، حل مسئله و آخر (پایان)، داستان را کامل کنید.



نام داستان:

روزی روزگاری بزبز قندی صبح زود می‌خواست برای علف خوردن به مزرعه برود. او به بزغاله‌هایش گفت در را برای گرگ باز نکنند. وقتی بزبز قندی رفت، بزغاله‌ها حرف مادرشان را فراموش کردند و

.....

.....

۴. به تصویرها با دقت نگاه کنید و داستان را با توجه به عناصر داستان (آمجا) کامل کنید.



نام داستان:

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. کلاغ سیاه.....

.....

.....

.....

.....

همکار گرامی! با پرسش از دانش آموزان آن‌ها را به سوی تکمیل داستان، با توجه به عناصر داستانی (آما)

هدایت کنید.



حل مسئله: مادر بزرگ برای درمان درد دندان سارا چه کار کرد؟
آخر داستان: سارا چه قولی به مادر بزرگش داد تا دیگر دندان درد نگیرد؟

۵- با توجه به عناصر داستان (آما)، داستان‌های زیر را کامل کنید.



الف) دندان درد

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. سارا ۱۰ ساله است. او خیلی شکلات و شیرینی می‌خورد و خیلی از شب‌ها مسواک نمی‌زند. سارا دیروز به خانه‌ی مادر بزرگ رفت. اما آنجا دندان‌ش درد گرفت. مادر بزرگ

.....

.....

.....

.....

ب) من با سمک می‌شنوم

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. متین ناشنوا است و سمک دارد. او هفته‌ی گذشته در کلاس دیکته می‌نوشت که ناگهان سمکش خاموش

.....

.....

.....

.....

نام داستان:

(ج)

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. سعیده دانش آموز کلاس پنجم است. او و دوستانش با شنیدن صدای زنگ مدرسه با عجله از پله‌ها

.....

.....

.....

والدین گرامی! داستانی برای فرزندتان بگویید و از او بخواهید با تغییر دادن عناصر داستان او نیز داستانی بسازد و بگوید. برای درک بهتر یک بار این کار را با فرد دیگری از خانواده انجام دهید. نقاشی کردن یک داستان با کمک فرزندتان در حین تعریف، زمان مناسبی برای تعامل و گفت‌وگو با او فراهم می‌آورد.

